



و رنگین - لطف سخنش هوش فریب و خاطرش معنی اندیش و سلاست  
الفاظ و جزالت عبارتش از اندازه تصویر بیش - پیشگاه خاطرش پیوسته  
انجمن شاهدان معنی و فکرش محفل آرای سخندانی - باستان  
سخن نوعی کوشیده و محسنات بدایع بفرهنگی ابداع کرده که از سواد  
عبارتش سراف آب حیات معنی میتوان یافت و از بنفشه زار حروفش  
مشام جانرا معطر می توان ساخت - در حالت تصویر مطالب  
فکر فلک پیوندش در هیچ جا رنگینی را فرو گذاشت نمی نماید و بی  
تأمل بدستگیری کلک معنی نگار مکتوبی رنگین که از شرم لطافت  
بر لفظش معنی رنگ بازد بنگارش در می آورد - و عذوبت الفاظ  
و چاشنی معانی و حلاوت عبارتش بی مبالغه از آب حیات شیرینی  
می برد - و هر صفحه نثرش چون خط نورسته غایبه مویان بتازه ادائی  
دلهای ارباب سخن را در بند مضامین تازه خود دارد - بتوفیق الهی وقایع ایام  
خلافت آبابی کرام و اجداد عظام حضرت صاحبقران ثانی شاهجهان بادشاه  
غازی از زمان آدم علیه السلام تا انتهای عهد آن سلطان سلاطین صاحب تمکین  
مفصل و منقح بقلم آورده بتاریخ دلکشا موسوم ساخته - و تمامی مطالب  
را عبارات بی آهو نگاشته در ضمن آن چندین معانی نوآیین  
افشاء کرده در آخر آن بنگارش احوال خسرو عهد نیز بشکر گفتار پرداخته  
و پای قلم را ز سخنان نوش پرور جوی شیر ساخته - و بهار دانش نیز از  
چمنستان طبع آن بهار گلشن سخنوزی گل کرده و سوادش از عبارتهای  
رنگین نمونه سواد ارم گردیده - در آن گلشن فیض بسی از انسانیهای یاستان  
هندوستان عبارت پرسی در آورده و بنگارش چندین حکایتی نوآیین  
که هر یک آن افسانه دلیلی است مدّت هر جان سخن نهاده - اکنون  
در هنجار تحصیل علم حقیقت می پرورد و دقائق معانی خاص از کتاب

معرفت الهی می جوید - بالکل ترک شیرا سخنوری نموده در قیل و قال دیگر افتاده - و از غایت تجرد ظاهر و باطن و عدم تعلق خاطر با خویش و بیگانه سر آمیزش ندارد و از زاریه خود که بیت القصیده قناعت است آن معنی سخنوری پا بیرون نمی گزارد - ایزد تعالی توفیق این معنی رفیق همه سازد \*

از جمله فضلا و سخنوران که ما سبق ذکر ایشان پذیرای بیان گشته چندی که در نثر هم دستگام تمام دارند بطریق اجمال باز بذکر آنها مفضله بیان را آرایش می دهد \*

## ملا محمود جونپوری

آئینه دار عرایس فکر بوده و جلوه نمایی شاهدان معانی بکر - زبان کلکش هاروت سخن را مسکن است و جیب فکرش فخل معنی را گلشن - هر چند خود گرفته زبان بود و شکفته لسان اما چون جان رگ معنی را شناخته و بمغز سخن پی برده هنگام نگارش مراتب سخن را دل می داد و سخن را زبان \*

## مولانا ابو البرکات متخلص بمنیر

بعد از شیخ فیضی در سواد اعظم هندوستان سخنوری که در هر دست سخن اقتدار تمام داشته باشد و تتبع سلف بسیار نموده و بدون نظم و نثر بفضایل نیز آراسته بود بغیر ازو دیگری در نطاسته - و بچنین طبع برنا و اندیشه سخن آرا و خورد فیض پیرا و معنی نزاکت آفرین و عبارات معنی قرین بجز او کسی دیگر از شعرا در خطه وجود قدم نگذاشته - کلامش باعث نظام امور سفندانی و نثرش شایسته نثار معانی -

القصة چنانچه نظمش بتازگی طرز مشهور است بهمان دستور نثرش بر زبانها مذکور. رسم تازه گوئی را تازه ساخته و طرز متاخران را طراز بخشیده. در نظم و نثر پای از جاده متانت بیرون نگذاشته و در آرایش عبارات و پیرایش استعارات سررشته معنی را از دست نداده. اگرچه دیگر شعرا نیز سلیقه درست در نثر دارند اما بجامعیتی که آنها اکابر توان سنجید مولفای مذکور بود که در هر قسم سخن رسم تازه گوئی را تازه ساخته \*

## حکیم حافق

که چون صبح صادق آفتاب معنی را در جیب سخن دارد و بدستی اندیشه و اوج گرائی فکر در نظم و نثر از دیگران پای کم نمی آرد. لالی منثورش آویزه گوش و آرایش کردن عرایس معنی و فکرش در طراحی سخن و اختراع مضامین گلشن سخنندانی. چندی آن والا طبع نیز در نگارش مآثر دولت ابد پیوند امتحان قلم نموده از تجویز دیگر ارباب انشاء ازین کار بیگار و معطل گشت \*

## شیدا

اگرچه سخن آفرین قلمرو هندوستان و شناسایی معانی لطیفه بیان بود و در نثر نیز دستگاہ بالا داشت و بتائید طبع رسا معنی تازه بر صفحه بیان می نگاشت اما چون بچهره آرائی بیان و معانی پرداخته و از آرایش الفاظ انحراف ورزیده لاجرم عباراتش از امانی دور آمده و معانی در ضمیر آن مانند صاحب جمالان حسن پوش ماند. بر ارباب سخن ظاهر است که آن چنان که در نظم داد آرایش لفظ و

معنی داده اگر در تحریر فتر فیز طبع را بهمان دستور کار می فرمود  
هیچ کس را بار دعوی برابری نبودی - بهر تقدیر ستوده رای پسندیده  
گفتار بود و در سخن طبع بلند و طالع ارجمند داشت \*

## چندر بهان

که مانند سخن خود ساده در کمال بی تکلفی است و در شیوه  
ترسیل و انشاء ممارستی درست دارد و در نامه طرازی و مدعا پردازي  
مهارتی در کمال دارد - در اوایل حال با میر عبدالکریم میر عمارت و پس از آن  
با دستور هندوستان افضل خان منتسب بود و بعد از رحلت آن پاک روان  
ملازم سرکار خاصه شریفه بوده همراه وزیرا بتحریر مطالب می پرداخت -  
چون طبع موزون داشت فکر شعر هم می کرد و در ضمن طایفه اهل  
نظم احوالش مفصل بقلم آمده \*

## طبقه خوشنویسان

محمد مراد کشمیری مخاطب به شیرین قلم

سحر طراز جادو رقم است - مشکین رقمان یک قلم از شرم تازه نگاری  
قلمش در خط شده و قلمرو خط را یک قلم به نیزه خطی قام گرفته  
و بوساطت کلک واسطی نژاد اثری عظیم بر صفحه ایام گذاشته و از دوایر  
حروف حلقه بندگی در گوش سیر خوشنویسان روزگار انداخته - باعتقاد  
خط شناسان بالغ نصیب خط خفی و جلیست و باعتبار پختگی  
و حسن خط ثانی اثین ملا میر علی و سلطان علی \*

## آقا رشیدا

شاگرد رشید میر عماد است و مورد فیض خداداد - دوات چینی نسبش

نافه آهوان ختن و کلک سحر پردازش واسطه آرایش سخن - بحسن  
خط و خوبی کلام و نیکویی طبع مشهور آفاق است و دوایر و مدات حروفش  
چون چشم و ابروی خوبان در نیکویی طاق \*

میر محمد صالح و میر محمد مومن پسران

میر عبد الله مشکین رقم

هر دو صاحب طبع تازه فکر سحر رقم اند و هر قطعه خط شان چون  
خط حور و شلن عنبر سرشت است و هم قطعه نظم شان رشک قطعه  
بهشت - دایره حروف شان زیب دایره سپهر است و نقطه خط شان  
مردمک دیدار مهر - ازین جهت که به میر صالح دقایق سخنوری  
کشف شده در فارسی کشفی و در هندی سجان تخلص می کند - و چون  
میر مومن سخن سنجی را بفکر عرش سیر بکری نشانده عرشی تخلص  
می نماید - چون هر دو را با نغمه هندی گوشه خاطر بست نغمه سرابان  
هند پیش شان گوش می گیرند و در دایره مجلس شان چون دف حلقه  
در گوش می کنند - و چون دوستی اهل بیت را بیت القصیده اعتقاد  
خود ساخته اند چندین شعر شعری طراز در منقبت دوازده اختر برج  
ولایت پرداخته و اعیان صوفیه با ایشان آمیزش دارند \*

شرف الدین عبد الله

عقیق کن بحسن خط و درستی قلم نگین دار نامدار بوده و هنرمند  
زبردست روزگار - در شیوا مهر و عقیق کنی کار دست بسته می کرد و مهر  
حیوت بر دهان استادان می گذاشت - خطش که مانند خط خوبان

آرایش صفحه حسن است نظرگاه روشناسان معانی - و نقش قلمش که چون خط صبح نفسان دیده افروز است سرمایه حیرانی - صورت خطش بلطف معنی و فراکت یگانه و هر قطعه‌اش بحسن رو افسانه - با این همه آن بیدار درون یکه تاز عرصه تغرید بوده و درس خوان شرح تجرید - دایم مژه تر دارد و در هر چشم زدن بگریه می پردازد و اشک مانفد از صحبت مردم دوزی می جوید \*

### میر سید علی تبریزی

که خط زیبایش بدستی ترکیب و نیکویی اندام چون ریخته قلم قدرت از رسمت نفس مجرّاست و بدستی دراپر و مدّات چون چهره خوبان بآرایش چشم و ابرو و خط و خال سراوح کتاب صنع ایزد تعالی - قطعاتش که حجّت قاطع خوشنویسی است به تناسب حروف رونق بازار قطعه ملا میر علی شکسته - و شکفته رونق الفاظ نگاشته کلکش ابروی بهارستان معنی بخاک ریخته - القصه قلمش مرتبه کمال صنعت خط را آن مرتبه داده که مانفدش در قلمرو سواد شزد و بیاض ایران بهم نمی رسد و هرگاه بذن فیض نشانش بحرکت در می آید رقم نسیم بر خط باقوت لعل نیکوان می کشد \*

از شکسته نویسان میرزا محمد جعفر

مخاطب به کفایت خان و جلال

الدین یوسف

هر در شاگرد رشید محمد حسین خلف اند که در نگارش خط شکسته و نستعلیق امروز کسی بآنها نمی رسد و طرف نمی تواند شد - خصوص

کفایت خان که از غایت قدرت قلم بمومیائیم ممداد استخوان بقدیمی ترکیب سخن در صورت شکستگی درست می نماید - و در فن خویشتن باوجود شکستگی الفاظ به نیروی درستی خط دعوی تفرد نموده موس یکنائی میزند - درین وقت دیگری هم که در خط مذکور رتبه و حالتی داشته باشد بنظر در نیامده شاید بعد ازین کسی بر روی کار آید که دعوی برابری یا بهتری نماید \*

اکنون خامه بدایع فکا، بتعویر اسامی بادشاهزاده‌های والا گهر عالی مقدار که هر یک دره التاج تارک خلافت و واسطه العقد سلطنت است و دیگر نوئیغان نامدار و وزرای عالی مقام و سایر سعادت‌مندان ارادت کیش از نه هزاره تا پانصدی که بذابر سلسله جیبجانی بخت به اندیش از آغاز امر تا انجام عمر اکتساب انواع نیک اختری از آن سرپر آرای آنچه سروری نموده اند خاتمه این صحیفه مغاخر را نگارین ساخته ختم سخن بآن می نماید و سر رشته گفتگو را بپایان آورده فراغ خاطر حاصل نماید \*

## فهرست مناصب بادشاهزاده‌های عالی مرتبت والا منزلت

نخستین گوهر بحر عز و اجلال گرامی نیر اوج دولت و اقبال بادشاهزاده عالی قدر دولت پوره محمد دارا شکوه شصت هزاره ذات چهل هزار سوار ازین جمله سی هزار سوار در اسپه سه اسپه -

دویمین رکن اعظم سلطنت حشمت و عظمت مظهر اتم علو شان و شوکت زینت دیباچه کتاب ابداع شاه شجاع بیست هزاره پانزده هزار سوار در اسپه سه اسپه -



سومین مهر سپهر عز و تمکین زیور افسر دولت و دین منظور نظر  
سعود گردون صاحب بخش همایون و فر فریدون کامل نصاب نام النصیب  
بادشاهزاده عالی مقدار محمد اورنگ زیب بهادر بیست هزاری ذات  
پانزده هزار سوار دو اسپه سه اسپه -

چهارمین گوهر افسر جهانبانی نمایان جوهر تیغ گیتی ستانی محمد  
مراد بخش پانزده هزاری دوازده هزار سوار ازین جمله هشت هزار سوار  
دو اسپه سه اسپه -

گل امید جهان و مقصود جهانیان سلطان سلیمان شکوه نخستین  
خلف بادشاهزاده محمد داراشکوه پانزده هزاری سه هزار سوار -

ثمراً شجره دولت و اقبال سلطان سپهر شکوه دویمین فرزند  
بادشاهزاده محمد داراشکوه هشت هزاری سه هزار سوار -

نیدری بازوی دولت و دین سلطان زین الدین پسر بادشاهزاده محمد  
شجاع هفت هزاری دو هزار سوار -

فرخنده طلعت خجسته فال شاهزاده نیکو محضر سلطان بلند اختر  
دویمین پسر محمد شجاع هنوز بمنصب سر افرازی نیافته -

جوان بخش سعادت پرور بلند اختر مؤید شاهزاده سلطان محمد  
اولین پسر بادشاه زاده آسمان جاه محمد اورنگ زیب بهادر هفت  
هزاری دو هزار سوار -

دویمین خلف حضرت والا رتبت محمد اورنگ زیب بهادر سلطان  
عالی مرتبت محمد معظم هنوز بحرمت منصب سر افراز نشده -

اقبال مند کامگر نامور سعادت یار سلطان محمد اعظم سومین پسر آن  
حضرت بمنصب سر افرازی نیافته -

فوت الظهر ارکان سلطنت بادشاهزادہ خرد پرور محمد اکبر چہارمین  
پسر آن حضرت بمنصب سر افراز نشدہ -

قرۃ العین اعیان خلافت سلطان محمد کام بخش پنجمین فرزند  
آن حضرت کہ بعد از رحلت حضرت فردوس مکانی صاحبقران ثانی  
بادشاهزادہ مسطور بعالم شہود خرامیدہ -

فرآئین گل گلشن دولت و اقبال سلطان ایزد بخش خلف  
بادشاهزادہ محمد مراد بخش منصب نیافتہ -

## امرای عظام

### نہ ہزاری

یمین الدولہ آصف خان خان خاندان سپہ سالار نہ ہزاری نہ ہزار  
سوار دو اسپہ سہ اسپہ - در سزہ پانزدہم فوت شد -

### ہفت ہزاری

#### نہ نفر

مہابت خان خان خاندان ہفت ہزاری ہفت ہزار سوار دو اسپہ  
سہ اسپہ -

خان جهان لودھی ہفت ہزاری ہفت ہزار سوار دو اسپہ  
سہ اسپہ -

علی مردان خان امیر الامرا ہفت ہزاری ہفت ہزار سوار  
پنج ہزار دو اسپہ سہ اسپہ - دو کروڑ دام انعام - در سفہ سی و یکم  
فوت شد -

خان دوران بهادر نصرت جنگ هفت هزاری هفت هزار سوار  
دو اسپه سه اسپه - در سنه هژدهم شهید شد -

سید خان جهان باره هفت هزاری هفت هزار سوار دو اسپه  
سه اسپه - در سال نوزدهم فوت شد -

سعید خان بهادر ظفر جنگ هفت هزاری هفت هزار سوار  
پنج هزار دو اسپه سه اسپه - در سنه بست و پنجم در صاحب صوبگی  
کابل رحلت نمود -

افضل خان دستور اعظم هفت هزاری هفت هزار سوار - در سنه  
دوازدهم فوت شد -

اسلام خان جمده الملک هفت هزاری هفت هزار سوار پنج هزار  
دو اسپه سه اسپه - در سنه بست و یکم در صاحب صوبگی دکن فوت شد -

سعد الله خان مدار المہامی هفت هزاری هفت هزار سوار پنج هزار  
دو اسپه سه اسپه - در سنه سی فوت شد \*

## شش هزاری

### هفت نفر

خواجه ابوالحسن شش هزاری ذات شش هزار سوار -

عبد الله خان بهادر فیروز جنگ شش هزاری شش هزار سوار -

مہاراجہ جسونت سنگہ شش هزاری شش هزار سوار پنج هزار سوار

دو اسپه سه اسپه -

رستم خان بهادر فیروز جنگ شش هزاری شش هزار سوار پنج هزار

دو اسپه سه اسپه -

- اعظم خان شش هزاری شش هزار سوار -
- معظم خان شش هزاری شش هزار سوار -
- خسرو ولد نذر محمد خان شش هزاری ذات پنج هزار سوار \*

## پنج هزاری سی و دو نفر

- خان زمان بهادر پنج هزاری پنج هزار سوار دو اسپه سه اسپه -
- قاسم خان پنج هزاری پنج هزار سوار دو اسپه سه اسپه -
- وزیر خان پنج هزاری پنج هزار سوار دو اسپه سه اسپه - در سال پانزدهم در صوبه داری اکبر آباد فوت شد -
- راجہ گج سنگه ولد راجہ سورج سنگه راتھور پنج هزاری پنج هزار سوار -
- سپہدار خان پنج هزاری پنج هزار سوار - در سال ہفدہم فوت شد -
- شیر خان پنج هزاری پنج هزار سوار -
- راز دتن ہادا پنج هزاری پنج هزار سوار - در سنہ پانزدهم فوت شدہ -
- راجہ ججہار سنگه ولد راجہ نرسنگه دیو پنج هزاری پنج هزار سوار -
- یاقوت خان حبشی پنج هزاری پنج هزار سوار -
- ارداجی رام پنج هزاری پنج هزار سوار -
- بہادر جی دکھنی ولد جادو رام پنج هزاری پنج هزار سوار -
- میرزا عیسیٰ ترخان پنج هزاری چہار هزار سوار -

- بهادر خان دوهيله پنج هزارې پنج هزار سوار دو اسپه سه اسپه -
- راجه جى سنگه پنج هزارې پنج هزار سوار چهار هزار دو اسپه سه اسپه -
- قلبيج خان پنج هزارې پنج هزار سوار چهار هزار دو اسپه سه اسپه -
- شاه نواز خان پنج هزارې پنج هزار سوار سه هزار دو اسپه سه اسپه -
- مكرمست خان پنج هزارې پنج هزار سوار سه هزار دو اسپه سه اسپه -
- در سغه بيست و سيوه در صوبه داري دارالخلافه فوت شد -
- جعفر خان پنج هزارې پنج هزار سوار دو هزار پانصد سوار دو اسپه سه اسپه -

راجه بيتهل داس پنج هزارې پنج هزار سوار دو هزار و پانصد سوار دو اسپه سه اسپه -

- خليل الله خان پنج هزارې پنج هزار سوار -
- اعتقاد خان پنج هزارې پنج هزار سوار -
- مهيبت خان پنج هزارې پنج هزار سوار -
- ابا جگت سنگه پنج هزارې پنج هزار سوار -
- وانا راج سنگه پنج هزارې پنج هزار سوار -
- مالو جى بهونسله پنج هزارې پنج هزار سوار -
- الله وردى خان پنج هزارې چهار هزار سوار -
- لشكر خان پنج هزارې چهار هزار سوار -
- رحيم خان ولد آدم خان دكهنې پنج هزارې چهار هزار سوار -
- نجات خان پنج هزارې سه هزار سوار -
- راجه داي سنگه سيسوديه پنج هزارې دو هزار پانصد سوار -
- مير جمله بهادر پنج هزارې دو هزار سوار -
- بهرام ولد نذر محمد خان پنج هزارې ذات \*

## چهار هزاری سی و یک نفر

- صادق خان چهار هزاری چهار هزار سوار -
- قباد خان چهار هزاری چهار هزار سوار -
- باقر خان نجم ثانی چهار هزاری چهار هزار سوار -
- دربا خان زوهیله چهار هزاری چهار هزار سوار -
- زار ستر سال هادا چهار هزاری چهار هزار سوار -
- قاسم خان چهار هزاری چهار هزار سوار -
- سید شجاعت خان بارهه چهار هزاری چهار هزار سوار دو هزار پانصد سوار در اسپه سه اسپه -
- سیف خان چهار هزاری چهار هزار سوار -
- معتقد خان چهار هزاری چهار هزار سوار -
- دلار خان بریچ چهار هزاری چهار هزار سوار -
- میر خواجه چهار هزاری چهار هزار سوار -
- نظر بهادر خویشگی چهار هزاری چهار هزار سوار -
- رشید خان انصاری چهار هزاری چهار هزار سوار -
- بهادر خان زوهیله چهار هزاری چهار هزار سوار -
- مبارز خان زوهیله چهار هزاری سه هزار و پانصد سوار -
- زار سور بهورقیده چهار هزاری سه هزار سوار -
- راجه بهار سنگه بندیله چهار هزاری سه هزار سوار پانصد سوار دو اسپه سه اسپه -
- جان سپار خان چهار هزاری سه هزار سوار -

( ۴۵۳ )

روپا سنگه راتهور چهار هزارى دو هزار سوار -  
شاه بيگ خان چهار هزارى سه هزار سوار -  
مرتضى خان ولد مير جمال الدين انجو چهار هزارى سه  
هزار سوار -

فدائي خان چهار هزارى سه هزار سوار -  
سرافوز خان دكهنى چهار هزارى سه هزار سوار -  
سيد نير خان بارهه چهار هزارى سه هزار سوار -  
سرافوز خان دكهنى چهار هزارى سه هزار سوار -  
جگ ديو راور برادر چندو رامى دكهنى چهار هزارى سه هزار سوار -  
مقدر خان چهار هزارى دو هزار و پانصد سوار -  
همير رامى دكهنى چهار هزارى دو هزار و پانصد سوار -  
تقرب خان چهار هزارى يك هزار سوار -  
موسوى خان صدر اصدر چهار هزارى هفتصد و پنجاه سوار -  
اعتقاد خان چهار هزارى يك هزار سوار \*

## سه هزارى

### پنجاه و هفت نفر

امتنجار خان سه هزارى سه هزار سوار دو اسپه سه اسپه -  
جهانگير قلى خان سه هزارى سه هزار سوار -  
راجه ادروده سه هزارى سه هزار سوار دو اسپه سه اسپه -  
ذوالفقار خان سه هزارى سه هزار سوار دو اسپه سه اسپه -  
سعادت خان سه هزارى سه هزار سوار هشتاد سوار دو اسپه سه اسپه -

- قزلباش خان سه هزارى سه هزار سوار پانصد سوار دو اسپه سه اسپه -  
مكرم خان سه هزارى سه هزار سوار -  
ميرزا حسن صفوي سه هزارى سه هزار سوار -  
ميرزا نوذر صفوي سه هزارى سه هزار سوار -  
ميرزا خان سه هزارى سه هزار سوار -  
پر دل خان سه هزارى سه هزار سوار -  
شاه بيگ خان سه هزارى سه هزار سوار -  
مادهو سنگه هادا سه هزارى سه هزار سوار -  
احمد خان نيازى سه هزارى سه هزار سوار -  
اخلاص خان سه هزارى دو هزار و پانصد سوار -  
شمشير خان سه هزارى دو هزار و پانصد سوار -  
ملك خان ولد سعيد خان سه هزارى دو هزار و پانصد سوار -  
راجه راج روپ سه هزارى دو هزار و پانصد سوار -  
كار طلب خان سه هزارى دو هزار سوار دو اسپه سه اسپه -  
انوپ سنگه ولد امر سنگه زميندار ماندهو سه هزارى دو هزار سوار  
دو اسپه سه اسپه -  
ذوالقدر خان سه هزارى دو هزار سوار پانصد سوار دو اسپه سه اسپه -  
فصرت خان سه هزارى دو هزار سوار -  
مخلص خان سه هزارى دو هزار سوار -  
شهباز خان روهيله سه هزارى دو هزار سوار -  
بهادر خان سه هزارى دو هزار سوار -  
سيد مرتضى خان سه هزارى دو هزار سوار -  
اله يار خان سه هزارى دو هزار سوار -



- مغل خان سه هزارې دو هزار سوار -
- حيات خان سه هزارې دو هزار سوار -
- حسن خان ولد فتح الملک سه هزارې دو هزار سوار -
- شيخ فرید سه هزارې دو هزار سوار -
- رام سنگه زند راجه جی سنگه سه هزارې دو هزار سوار -
- مکدن سنگه شاه سه هزارې دو هزار سوار -
- راوکين سه هزارې دو هزار سوار -
- اوداجی رام سه هزارې دو هزار سوار -
- پرسوجی سه هزارې دو هزار سوار -
- فخرالدوله ولد ياقوت بد جوهر سه هزارې دو هزار سوار -
- حميد خان خويش ملک عذير سه هزارې دو هزار سوار -
- حسن خان دکهنی سه هزارې هزار و پانصد سوار دو اسپه سه اسپه -
- سيدات خان سه هزارې هزار و پانصد سوار -
- طاهر خان سه هزارې هزار و پانصد سوار -
- ظفر خان سه هزارې هزار و پانصد سوار -
- مهورزا سلطان سه هزارې هزار و پانصد سوار -
- فيروز خان سه هزارې هزار و پانصد سوار -
- رام سنگه وند کرمي رانهور سه هزارې هزار و پانصد سوار -
- منکوجي سه هزارې هزار و پانصد سوار -
- اسد خان معمولی سه هزارې هزار و پانصد سوار -
- راجه انوپ سنگه سه هزارې هزار و پانصد سوار -
- سردار خان سه هزارې هزار و پانصد سوار -
- جادو رامی سه هزارې هزار و پانصد سوار -

- سمد امين خان سه هزارى سوار -
- راجه منورپا كچهوايه سه هزارى سوار -
- عاقل خان سه هزارى سوار -
- بيروم ديو سيسوديه سه هزارى سوار -
- دتا جي سه هزارى سوار -
- فاضل خان سه هزارى شش صد سوار -
- دانشمذد خان سه هزارى شش صد سوار \*

## دو هزار و پانصدي

### بيست و چهار نفر

- شمشير خان دو هزار پانصدي دو هزار پانصد سوار -
- هادي داد خان دو هزار پانصدى دو هزار پانصد سوار -
- جوهر خان دو هزار پانصدي دو هزار سوار -
- ديانت خان دست بيانى دو هزار پانصدي دو هزار سوار -
- افتخار خان برادر سعيد خان دو هزار پانصدي دو هزار سوار -
- احمد بيگ خان دو هزار پانصدي هزار پانصد سوار -
- نامدار خان دو هزار پانصدي هزار پانصد سوار -
- لشكر خان دو هزار پانصدي هزار پانصد سوار -
- خدمت پرست خان دو هزار پانصدي هزار پانصد سوار -
- حسام الدين خان دو هزار پانصدي هزار پانصد سوار -
- ملتفت خان دو هزار پانصدي هزار پانصد سوار -
- قباد خان دو هزار پانصدي هزار سوار -

- آله قلی خان دو هزار پانصدی هزار پانصد سوار -  
دلدار خان دکهنی دو هزار پانصدی هزار پانصد سوار -  
شمس الدین خان دکهنی دو هزار پانصدی هزار دو صد سوار -  
ابراهیم خان دو هزار پانصدی هزار سوار -  
فاخر خان دو هزار پانصدی هزار سوار -  
سبدل سنگه سیسودیه دو هزار پانصدی هزار سوار -  
عبد انجم اوزبک دو هزار پانصدی هزار سوار -  
نوازش خان دو هزار پانصدی شش صد سوار -  
بنموی خان دو هزار پانصدی پانصد سوار -  
محمد بدیع واد خسرو دو هزار پانصدی شش صد سوار -  
شمیم حدایت آله دو هزار پانصدی دو صد سوار -  
سید محمد سلطان دو هزار پانصدی دو صد سوار \*

## دو هزاری

### شصت و شش نفر

- میرزا وای دو هزاری دو هزار شش صد سوار دو اسپه  
سه اسپه -  
راجه سجان سنگه بقدیله دو هزاری دو هزار پانصد سوار دو اسپه  
سه اسپه -  
راجه تودر مل دو هزاری دو هزار پانصد سوار دو اسپه سه اسپه -  
راجه دینی سنگه بقدیله دو هزاری دو هزار پانصد سوار دو اسپه  
سه اسپه -

- تخت خان دو هزارې دو هزار سوار پانصد سوار دو اسپه سه اسپه -
- محمد صالح ترخان ولد میرزا عیسی دو هزارې دو هزار سوار -
- ارادت خان دو هزارې دو هزار سوار -
- باقی خان چیله قلماق دو هزارې دو هزار سوار -
- دلیر خان دو هزارې دو هزار سوار -
- خواجه برخوردار داماد مهبت خان دو هزارې دو هزار سوار -
- میر شمس الدین دو هزارې دو هزار سوار -
- قزاق خان دو هزارې دو هزار سوار -
- گردهر داس کور دو هزارې دو هزار سوار -
- مبارک خان فیازی دو هزارې دو هزار سوار -
- محمد زمان طهرانی دو هزارې دو هزار سوار -
- پرتوی زاج زانهور دو هزارې دو هزار سوار -
- جگراج بندبیله دو هزارې دو هزار سوار -
- رتن ولد مهیش داس دو هزارې دو هزار سوار -
- مختار خان سبزواری دو هزارې هزار و پانصد سوار -
- وار دردا نبیره وار چاندا دو هزارې هزار و پانصد سوار -
- بالو خان کرزانی دو هزارې هزار و پانصد سوار -
- عبدالله خان ولد سعید خان بهادر دو هزارې هزار و پانصد سوار -
- سادات خان دو هزارې هزار و پانصد سوار -
- تربیت خان دو هزارې هزار و پانصد سوار -
- ایرج خان دو هزارې هزار و پانصد سوار -
- ارجن ولد راجه بیتهل داس کور دو هزارې هزار و پانصد سوار -
- راجه سیورام دو هزارې هزار و پانصد سوار -

- عزیزت الله ولد عیسی خان دو هزارې هزار و پانصد سوار -
- سید صلابت خان دو هزارې هزار و پانصد سوار -
- جلال کاکړ دو هزارې هزار و پانصد سوار -
- راجہ جی رام دو هزارې هزار و پانصد سوار -
- زبردست خان دو هزارې هزار و پانصد سوار -
- ارزنگ خان دو هزارې هزار و پانصد سوار -
- دلور خان حبشی دو هزارې هزار و پانصد سوار -
- میر ابوالعالی دو هزارې هزار و چہار صد سوار -
- دیندار خان دو هزارې هزار و دو صد سوار -
- بہاری داس کچھواڑ دو هزارې هزار و دو صد سوار -
- راو روپا سنگھ چندریوت دو هزارې هزار و دو صد سوار -
- توت خان خواجہ بابا نام دو هزارې هزار سوار -
- راجہ بونامون دو هزارې هزار سوار -
- خواجہ تیدانہادی دو هزارې هزار سوار -
- سید فیروز خان دو هزارې هزار سوار -
- آنش خان حبشی دو هزارې هزار سوار -
- کاکړ خان دو هزارې هزار سوار -
- سید حسن دو هزارې هزار سوار -
- صف شکن خان دو هزارې هزار سوار -
- فیض الله خان دو هزارې هزار سوار -
- مفتخر خان دو هزارې هزار سوار -
- سید عمر دو هزارې هزار سوار -
- قبچاق خان دو هزارې هزار سوار -

( ۴۶۰ )

- بختيار خان دكهنې دو هزارې هزار سوار -
- محمد علي خان دو هزارې هزار سوار -
- واو امر سنگه دو هزارې هزار سوار -
- پتهوجي دو هزارې هزار سوار -
- اسد خان دو هزارې هشت صد سوار -
- ابو سعيد نبیره اعتماد الدوله دو هزارې هشت صد سوار -
- سيد شهاب بارهه دو هزارې هشت صد سوار -
- مجلس خان دو هزارې هشت صد سوار -
- سجان سنگه سيسوديه دو هزارې هشت صد سوار -
- خوشحال بيگ كاشغري دو هزارې هشت صد سوار -
- هلبا جي دو هزارې هشت صد سوار -
- نور الدين قلي دو هزارې هفت صد سوار -
- مهدي قلي خان دو هزارې شش صد سوار -
- اعتماد خان دو هزارې پانصد سوار -
- حقيقت خان دو هزارې سه صد سوار -
- معتمد خان دو هزارې دو صد سوار \*

## هزار پانصدي هفتاد و دو نفر

محمد حسن برادر همت خان هزار پانصدي هزار پانصد سوار  
شش صد سوار دو اسپه سه اسپه -

الهام الله ولد رشيد الله هزار و پانصدي هزار پانصد سوار پانصد سوار  
اسپه سه اسپه -

آگاه خان خواجه سراپی هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار پانصد سوار  
در اسپه سه اسپه -

همت خان هزار پانصدی هزار پانصد سوار -

سید حسن ولد سید دایر خان بایهه هزار پانصدی هزار پانصد سوار -

خنجیر خان هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار -

انف خان هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار -

سلطان یار خان ولد همت خان هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار -

شمس الدین ولد نظر بهادر خویشتگی هزار و پانصدی هزار و

پانصد سوار -

پورن مل نذبله هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار -

دارل پونجا هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار -

راجه ندسنگه ( ندسنگه ؟ ) بهدورید هزار و پانصدی هزار و چهار

صد سوار -

قطب الدین خان ولد نظر بهادر خویشتگی هزار و پانصدی هزار

و چهار صد سوار شش صد سوار در اسپه سه اسپه -

شریاف خان قدیمی هزار و پانصدی هزار و دو صد سوار -

زین العابدین ولد امیرخان جعفر هزار و پانصدی هزار سوار -

سید لطف الله شیدایی هزار و پانصدی هزار سوار -

اسد الله ولد رشید خان انصاری هزار و پانصدی هزار سوار دو اسپه -

مرحمت خان هزار و پانصدی هزار سوار دو اسپه -

چتر بهوج چوهران هزار و پانصدی هزار سوار پانصد سوار دو اسپه سه اسپه -

دای سنگه نجیرا راجه گپ سنگه هزار و پانصدی هزار سوار -

جان فنار خان هزار و پانصدی هزار سوار -

- سید یعقوب هزار و پانصدی هزار سوار -
- یسین خان ولد شیر خان هزار و پانصدی هزار سوار -
- هردیرام کچھواہہ هزار و پانصدی هزار سوار -
- ستر سال کچھواہہ هزار و پانصدی هزار سوار -
- راجہ دواہکا داس هزار و پانصدی هزار سوار -
- راجہ پرتاب سنگہ هزار و پانصدی هزار سوار -
- رشید خان برادر الہ یار هزار و پانصدی هزار سوار -
- دل دوز ولد سوافراز خان هزار و پانصدی هزار سوار -
- مرشد قلی خان هزار و پانصدی هزار سوار -
- راجہ امرسنگہ نروزی هزار و پانصدی هزار سوار -
- دولتمند هزار و پانصدی هزار سوار -
- میر عبد اللہ خویش سید یوسف خان هزار و پانصدی ہشت صد سوار -

- کرمسی راتھور هزار و پانصدی ہشت صد سوار -
- عبد اللہ بیگ ولد امیرالامرا هزار و پانصدی ہشت صد سوار -
- فتح اللہ ولد سعید خان هزار و پانصدی ہشت صد سوار -
- ہمت خان ولد شجاعت خان بارہہ هزار و پانصدی ہشت صد سوار -

- شمس الدین ولد مختار خان هزار و پانصدی ہشت صد سوار -
- حسین قلی خان هزار و پانصدی ہشت صد سوار -
- علاول ترین هزار و پانصدی ہشت صد سوار -
- چندرمن ہندیلہ هزار و پانصدی ہشت صد سوار -
- جمال خان نوحانی هزار و پانصدی ہشت صد سوار -



- ولی معادار خان هزار و پانصدی هشت صد سوار -  
معین خان ولد حاجی منصور هزار و پانصدی هفت صد سوار -  
دولت خان ولد فیاض خان هزار و پانصدی هفت صد سوار -  
غریب داس ولد رانا کرون هزار و پانصدی هفت صد سوار -  
یادگار حسین خان هزار و پانصدی هفت صد سوار -  
جدهال ولد کهن سنگه راتهور هزار و پانصدی شش صد سوار -  
ذوالفقار بیگ ترکمن هزار و پانصدی شش صد سوار -  
سید عبد الرسول هزار و پانصدی شش صد سوار -  
مظفر حسین هزار و پانصدی سوار -  
سیام سنگه ولد کرمسی راتهور هزار و پانصدی شش صد سوار -  
حاجی محمد یار اوزبک هزار و پانصدی شش صد سوار -  
شاه محمد قطبان هزار و پانصدی شش صد سوار -  
آوا افضل هزار و پانصدی شش صد سوار -  
اعتماد خان خواجه سرا هزار و پانصدی پانصد سوار -  
میر میوان ولد خلیل الله خان هزار و پانصدی پانصد سوار -  
میر جعفر خواجه زاده خلیفه سلطان هزار و پانصدی پانصد سوار -  
محمد هادی ولد میر ربیع صدر ایران هزار و پانصدی پانصد سوار -  
راو رابعا هزار و پانصدی پانصد سوار -  
معتقد خان هزار و پانصدی پانصد سوار -  
مصام الدوله هزار و پانصدی پانصد سوار -  
فرست خان هزار و پانصدی پانصد سوار -  
انسی زلی هزار و پانصدی پانصد سوار -  
رحمت خان هزار و پانصدی چهار صد سوار -